



۲۰۱۸/۱۲/۱۸



سمیع الدین افغانی

من و تو یک برادریم



چرا در جنگ و محشریم
به دور از فکر کشوریم
بس فریبکار بسی بی باک
چرا در خواب غفلتیم
این جلادان جنگ افروز
چرا بر این نیاندیشیم
در آن مرز و در آن سرحد
همه در جنگ و سنگریم
تن و اولاد من و تو
همه در خون و محشریم
محنت تا کی فرصت تا کی؟
ما در جهان در بدریم
تا کی دوری از هم دیگر
همه یک سان و برابریم
همه یک جان شویم و تن
که هم صدا هم نظریم
ز دل اخلاص و باهمی
اگر بر صلح به باوریم

من و تو یک برادریم
تا کی در خواب و بستریم
دشمن محیل است و چالاک
چشم دوخته بمال و خاک
ز دست قاتلان امروز
کی در امانیم شب و روز
بین بر ما چه می گذرد
ز غداران بی خرد
این جاست بنیاد من و تو
هست و برباد من و تو
غفلت تا کی، ذلت تا کی؟
شویم یکدست غربت تا کی؟
بیا اندیشه کن بنگر
هستیم یک جان یک پیکر
بیا اولاد این وطن
هم در کردار هم در گفتن
دور از نفاق و دورنگی
تنها یک بار است زندگی

اگر یک جا کند ایام
شود حاصل طلب و کام
اگر دشمن شود حاکم
نکند رحم این ظالم
بیا فرصت غنیمت است
همین حالا که فرصت است
تا به کی جنگ درین کشور
هر خیل و رنگ درین کشور
شویم پیروز ما آن زمان
همه یک مشت و با ایمان
که باز فردا من و تو
دین و عقبی من و تو
گویند هر شب دارد پایان

شویم دور از صیاد و دام
ما در دنیا خوشبخت تریم
همه برباد کند دایم
همه یک سان در خطریم
امروز در خون این ملت است
اگر هوشیار و عاقلیم
هر چوب و سنگ درین کشور
گویند از جنگ متنفریم
که ما یکدست شویم و جان
دشمن را سرنگون سازیم
شود دنیای من و تو
در آسایش به سر بریم
رسیده وخت و آن زمان

بسازیم کشور افغان
که به فردا به باوریم

پایان



یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی شاعر نوری لیکنی او سرودونو هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالې د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کړی!

من و تو یک برادریم
Afghani_sameh_man_o_tou_yak_beradarem.pd